



پرسش و پاسخ حقوقی

از: سید یوسف اسماعیل صفوی

اصول استنباطات حقوقی، نظر مغایری دارند دعوت و تقاضا می‌شود، نظرات مستدل خود را طی مرقومه‌ای به دفتر مجله تعاون - مبحث پرسش و پاسخ حقوقی - ارسال فرمایند تا با درج آنها موجبات آگاهی بیشتر خوانندگان، کارشناسان و دست اندرکاران تعاونی فراهم شده و در صورت امکان، به نظر واحدی، ولو مغایر با پاسخ زیر، بلحاظ برخورداری از استحکام و اعتبار بیشتر مبانی و دلایلی که مورد استناد قرار خواهد گرفت، اطلاع و دسترسی یابیم. اینک بر پایه ادله قانونی مذکور در ذیل، به اعلام نظر در مورد پرسش آقای رضوی مبادرت می‌شود:

اولاً در ماده ۲۹۹ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت، مصوب اسفند ماه ۱۳۴۷ هجری شمسی چنین تعیین تکلیف گردیده است:

«ماده ۲۹۹ - آن قسمت از مقررات قانون تجارت مصوب اردیبهشت ماه ۱۳۱۱ که ناظر بر سایر انواع شرکتهای تجاری می‌باشد، نسبت به آن شرکتهای به قوت خود باقی است.»

با توضیح این که اصلاحیه مصوب ۱۳۴۷ قانون تجارت، اصولاً راجع به شرکتهای سهامی و تفکیک این نوع شرکت به دو نوع شرکت سهامی عام و شرکت سهامی خاص و تبیین وجوه اشتراک و افتراق بین آنها می‌باشد و به شرح تبصره ماده ۴ آن (که متن ماده اختصاص به تعریف هر یک از دو نوع شرکت مزبور دارد) شرکتهای سهامی عام یا خاص، مکلف شده‌اند بر حسب نوع شرکت، عبارت «شرکت سهامی عام» یا «شرکت سهامی خاص» را بدون فاصله و قبل یا بعد از نام شرکت، در کلیه اوراق، اطلاعیه‌ها و آگهی‌های شرکت، به طور خوانا قید نمایند. در همین جا لازم می‌داند یادآوری نماید که در مقررات مربوط به انواعی از شرکتهای تجاری مصوب ۱۳۱۱ موادی که دلالت صریح یا ضمنی بر لزوم انتخاب بازرس در آنها نماید، دیده نشد.

حتی در آخرین نوع از شرکتهای تجاری مذکور در قانون سال ۱۳۱۱ که تحت عنوان «شرکتهای تعاونی تولید و مصرف» در پنج ماده قید شده است (مقررات اخیرالذکر در مقاطع زمانی در سالهای ۱۳۲۲ و ۱۳۲۴ و ۱۳۵۰ و ۱۳۷۰ بر اساس قوانین مصوب به تدریج در جهت منفعک شدن تعاونیها از قانون تجارت، دستخوش تغییر گردیده، تا حدی که در قانون شرکتهای تعاونی مصوب خرداد ماه ۱۳۵۰ و اصلاحیه‌های آن، صرفاً بخشی از امور مربوط به تصفیه شرکتهای تعاونی

پرسش:

آقای سید محسن رضوی بازرس یک شرکت تعاونی تولیدی، با اشاره به این که اکثر اعضای ۷ نفره شرکت با یکدیگر قرابت نسبی یا سببی دارند، اضافه کرده است که اخیراً مدیر عامل شرکت با استناد به بند ۳ ماده ۱۴۷ قانون تجارت مبنی بر این که اقربا سببی و نسبی مدیران و مدیر عامل تا درجه سوم از طبقه اول و دوم نمی‌توانند به سمت بازرسی شرکت سهامی انتخاب شوند، اعلام داشته که مشارالیه به لحاظ داشتن نسبت برادری با یکی از اعضای هیأت مدیره، نمی‌تواند در سمت بازرسی شرکت تعاونی، انجام وظیفه نماید و خواستار استعفای وی از سمت بازرسی شده است. ایشان درباره شمول یا عدم شمول ممنوعیت مذکور در مورد شرکتهای تعاونی، خواستار اظهار نظر حقوقی شده‌اند.

○ پاسخ:

نظر به این که پرسش مزبور، به نحوی مشابه در تعداد کثیری از تعاونیها مطرح است و از طرفی صاحب نظران و کارشناسان حقوقی و اساتید محترم با اقامه دلایلی، نظرات کاملاً متفاوتی در این باره ابراز می‌دارند، لذا بدین وسیله ضمن پاسخگویی به مورد سؤال و دلایل مؤید آن، از قضاوت، اساتید و حقوقدانان فاضل کشورمان که بر مبنای موازین قانونی و

منحله به مقررات راجع به تصفیه از لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ احاله و کلیه قوانین و مقررات مغایر با قانون شرکتهای تعاونی مزبور ملغی شده است و به تبع آن، پنج ماده مربوط به شرکتهای تعاونی تولید و مصرف در قانون تجارت سال ۱۳۱۱ و نیز مواد مغایر دیگر در سایر قوانین که در ارتباط مستقیم یا غیر مستقیم با تعاونیها بوده‌اند. از جمله برخی از مواد راجع به مالیاتها و معافیت‌های مالیاتی مقرر در قانون مالیاتهای مستقیم در مورد تعاونیها، به لحاظ مغایرت با موادی از قانون شرکتهای تعاونی، نسخ شده است. معهداً تنظیم کنندگان قانون تجارت یا مجموعه قوانین تجاری علی‌رغم نسخ پنج ماده مربوط به شرکتهای تعاونی در قانون تجارت سال ۱۳۱۱ به تصور اعتبار آنها، هنوز هم از حذف مواد یاد شده از قانون تجارت خودداری نموده و در نتیجه قضاوت دادگاهها را در تشخیص صحیح و اصدار رأی و اساتید دانشکده‌های حقوق را در تدریس مباحث تجاری و تعاونی دچار اشتباه و خط می‌سازند. این موضوع مورد تصریح واقع گردیده که:

«شرکتهای تعاونی ممکن است مطابق اصول شرکت سهامی یا بر طبق مقررات مخصوصی که با تراضی شرکاء ترتیب داده شده باشد، تشکیل بشود ولی در هر حال مواد ۲۲ و ۲۳ لازم‌الرعایه است.»

لزوماً متذکر می‌شود که ماده قانونی مذکور نیز با تصویب قوانین متعدد و متأخر تعاونی از اعتبار ساقط گردیده و در هر حال با شرح و توضیح مواد قانونی فوق‌الذکر نکات زیر قویاً استنباط و بلکه استنتاج می‌شود که:

۱- شرکتهای تعاونی نه شرکتهای سهامی عام هستند و نه شرکت سهامی خاص. زیرا در هیچ یک از قوانین تعاونی از گذشته تا به حال، هیچگاه تعاونیها رسماً و قانوناً به انواع خاص و عام تقسیم بندی نشده‌اند و به همین دلیل و دلایل بسیار دیگر نمی‌توان تعاونیها را مشمول مقررات مشترک یا متفاوت شرکتهای سهامی عام یا خاص موضوع لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ دانست مگر در مواردی که قانون بخش تعاونی مصوب ۱۳۷۰ و اصلاحیه آن و آئین‌نامه اجرایی این قانون اعتبار آنها را به رسمیت شناخته است.

۲- تجویز قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ به این که با تراضی شرکاء می‌توان شرکتهای تعاونی را مطابق با اصول شرکتهای

سهامی یا طبق مقررات خاص تشکیل داد، علی‌رغم عدم اعتبار این ماده در حال حاضر، دلیل واضحی بر عدم ضرورت رعایت مقررات شرکتهای سهامی در تشکیل شرکتهای تعاونی، از همان زمان تصویب قانون مزبور است. بطریق اولی مقررات متفاوت قانون بخش تعاونی با شرکتهای سهامی عام و خاص، اساساً مانع از آن می‌شود که در موارد سکوت قانون تعاون نیز، در حالی که قوانین سابق تعاونی در چنین مواردی تعیین تکلیف کرده‌اند، به مقررات شرکتهای سهامی از لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ استفاده نمود.

۳- هیچ یک از تعاریفی که برای شرکتهای سهامی خاص و عام در لایحه قانونی مربوط شده است، با تعریف شرکتهای تعاونی در قوانین مصوب سالهای ۱۳۵۰ به بعد مطابقت ندارد. وجود تفاوت‌های اساسی در این زمینه و سایر موارد، تعاونیها را از شمول شرکتهای سهامی عام و خاص و مقررات مربوط به آنها خارج می‌سازد.

به تبع نسخ پنج ماده قانون تجارت در مورد شرکتهای تعاونی تولید و مصرف، رعایت مواد ۲۲ و ۲۳ قانون مزبور که در یکی از مواد پنجگانه منسوخه مورد تصریح قرار گرفته، منتفی می‌باشد.

۵- شرکتهای تعاونی، گرچه سرمایه آنها بر خلاف تعریفی که از سرمایه در ماده ۱۶ قانون بخش تعاونی شده است، بر اساس قوانین سابق تعاونی همچنان به سهام تقسیم می‌گردد، تابع قانون خاص خود می‌باشند و شرایط سلبی که در لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب سال ۱۳۴۷ برای بازرسان شرکتهای سهامی موضوع قانون اخیر، تعیین شده است، با توجه به دلایل مذکور در بند یک این پاسخ مبنی بر این که شرکتهای تعاونی هیچ یک از دو نوع شرکت سهامی عام و خاص نیستند، مشمول تعاونیها نمی‌شود.

ضمن آن که در ماده ۲۸ قانون بخش تعاونی شرایط مشخص و یکسانی برای انتخاب اعضای هیأت مدیره، مدیر عامل و بازرسان قید گردیده و قائل شدن به شرایطی زائد بر آن چه که در قانون بخش تعاونی برای انتخاب شدن به سمت بازرسی مقرر شده، بدون ذکر نام از تعاونیها در قوانین مذکور یا فقدان ارتباط موضوعی با تعاون، نمی‌تواند مبنای صحیح و قابل قبولی داشته باشد خاصه آن که در ماده ۷۱ قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران کلیه قوانین و مقررات مغایر با این قانون ملغی شده است.

در عین حال باید توجه داشت در مواردی که در قوانین دیگر در ارتباط با شرکتهای تعاونی حکم خاصی، صریحاً تعیین شده و تناقض و تعارضی با قانون بخش تعاونی نداشته باشند. لازم الرعایه هستند. کما این که در قانون نظام صنفی و آئین نامه آن، افراد فاقد پروانه کسب از عضویت در تعاونیهای صنفی منع شده‌اند یا در قانون خدمت و وظیفه عمومی، ارائه مدرک از اداره کل و وظیفه عمومی دال بر تعیین تکلیف مشمولیت متقاضیان برای انجام بسیاری از امور از جمله عضویت اشخاص حقیقی در تعاونیها ضروری شناخته شده و فقدان چنین شرایطی در افراد از مصادیق ممنوعیت قانونی موضوع بند ۲ ماده ۹ قانون بخش تعاونی برای عضویت متقاضیان در شرکتهای تعاونی و از موارد ممنوعیت قانونی مقرر در بند ۴ ماده ۳۸ قانون برای عضویت در هیأت مدیره و نیز انتخاب شدن به سمت مدیرعامل و بازرسی تعاونیها (در صورتی که عضو تعاونی باشند) محسوب می‌شود.

بنا به دلایل مذکور، شرایط سلبی مقید در بند ۳ ماده ۱۴۷ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب سال ۱۳۴۷ دایر بر این که نزدیکان سببی و نسبی مدیران و مدیر عامل تا درجه سوم از طبقه اول و دوم نمی‌توانند به سمت بازرس شرکت سهامی انتخاب شوند، در ارتباط با تعاونیها اعتباری نداشته و مانع از انتخاب چنین افرادی به سمت بازرسی شرکت‌های تعاونی در مجامع عمومی نمی‌شود.

□ پرسش:

مدیران یک شرکت تعاونی مسکن تأمین کننده نیاز اعضای از نوع توزیعی با مراجعه حضوری و اعلام این که با رعایت مقررات زمین شهری توانسته‌اند برای گروهی از اعضای داوطلب براساس اطلاعیه‌های صادره شرکت و منتشره در روزنامه‌های کثیرالانتشار، دو واحد مسکونی احداث و تحویل اعضا دهند، این پرسش را طرح کرده‌اند که آیا اقدام مدیران شرکت در تهیه قطعات زمین‌ها و ساخت و احداث و تحویل دو واحد مسکونی به اعضای سرمایه گذار در خرید زمین و ایجاد واحدهای مسکونی، مغایرتی با قوانین موضوعه تعاونی در مورد شرکتهای تعاونی مسکن دارد یا نه؟ خواستار پاسخ شده‌اند.

○ پاسخ:

صرف نظر از ماهیت موضوع که در تخصیص زمین و یا احداث واحدهای مسکونی و واگذاری دو واحد از آنها به

اعضای سرمایه گذار و مشارکت کننده در خرید زمین و پرداخت وجوه مربوط به احداث دو واحد مسکونی در یک یا دو پروژه از چند پروژه ساختمانی شرکت و سایر موارد مرتبط با موضوع، تخلفی واقع شده یا نه و آیا در تخصیص زمین و جلب اعضا برای مشارکت در ساخت واحدهای مسکونی، تبعیض و یا تضییع حقی از سایر اعضا به هنگام اعلام آمادگی شرکت برای قبول داوطلب از میان اعضا و واریز وجه از سوی آنان به حساب تعاونی برای خرید زمین و سرمایه گذاری در ساخت واحدهای مسکونی در مهلت‌های تعیین شده، به عمل آمده یا نه، صرف ساخت و واگذاری دو واحد مسکونی به اعضا در صورتی که اساسنامه و آئین نامه‌های داخلی و مصوبات مجامع عمومی اقدام مزبور را منع نکرده باشد، بنا به دلایل زیر: در بند یک از ماده ۳ اساسنامه شرکتهای تعاونی مسکن تأمین کننده نیاز اعضا، تهیه زمین و احداث واحدهای مسکونی و واگذاری آنها به اعضا به عنوان یکی از فعالیت‌های اساسی و مستمر تعاونیهای مسکن در مدتی که در ماده مربوط از اساسنامه، تعیین شده است.

۲- نامحدود بودن مدت فعالیت شرکت در صورتیکه در اساسنامه ذکر شده باشد، دلیل بر استمرار فعالیت شرکت در تهیه زمین و ساخت واحدهای مسکونی و واگذاری آنها به اعضا می‌باشد لیکن عملیات پیش بینی شده در ماده ۳ اساسنامه برای غیر اعضا ممنوع است.

۳- واگذاری بیش از یک واحد مسکونی به اعضا به شرط رعایت ضوابط مربوط و عدم ممنوعیت مصرح در اساسنامه آئین نامه اجرائی تبصره ۳ ماده ۳ اساسنامه و مصوبه مجمع عمومی عادی منع قانونی ندارد.

۴- در حالی که شرکتهای تعاونی مسکن تولیدی (انبوه سازان) مجاز هستند در صورت تأمین زمین از منابع آزاد و احداث واحدهای مسکونی، به هر فرد متقاضی خرید مسکن، بر اساس مزایده یا هر روش پیش بینی شده دیگری، بدون سرمایه گذاری قبلی آنان، هر تعداد واحد مسکونی که استطاعت خرید آنها را داشته باشد، قابل واگذاری است، دلیل موجهی مبنی بر این که تعاونیهای مسکن توزیعی نتوانند با رعایت ضوابط و مقررات موضوعه بیش از یک واحد مسکونی برای اعضای سرمایه گذار تأمین نمایند، وجود ندارد. ضمن آن که در مقررات قانونی نیز چنین ممنوعیتی پیش بینی نشده است.

۵- سلب حقوق مکتسبه اعضائی که بدون وجود ممنوعیت

قانونی، و به شرط رعایت ضوابط و مقررات، برای دو یا چند واحد مسکونی سرمایه گذاری کرده‌اند، در صورتی که موجبات اضرار اعضای دیگری را که حاضر و مایل به سرمایه گذاری در خرید زمین و احداث واحدهای مسکونی بوده و حقوق آنان مورد تضییع از سوی مدیران شرکت قرار نگرفته باشد، وجهه قانونی و شرعی نمی‌تواند داشته باشد.

چنانچه مدیران شرکت مرتکب تخلف و یا تخلفاتی در تخصیص زمین بین اعضاء و احداث واحدهای مسکونی برای آنان نشده باشند، از هر اتهامی مبری بوده و نمی‌توان آنان را من باب ساخت و واگذاری دو یا چند واحد مسکونی مجاز از

لحاظ مقررات عمومی کشور و قانون زمین شهری تحت پیگرد قرار داد.

در شرایطی که کمبود شدید مسکن یکی از معضلات پیچیده و اساسی دولت و مردم است، احداث واحدهای مسکونی هر چه بیشتر و واگذاری دو یا چند واحد مسکونی به اعضائی که به موقع ثبت نام کرده و وجوه لازم برای سرمایه گذاری در ساخت واحدهای در دست احداث را تأمین و پرداخت نموده باشند، گامی ارزنده در جهت کمک به رفع معضل کمبود مسکن در کشور محسوب شده و به شرط رعایت حقوق تمامی اعضاء و قائل نشدن به تبعیض و اعمال خلاف دیگر فعالیتی موجه و قابل تقدیر خواهد بود.

بقیه از صفحه ۵۹

که سلامت محیط زیست را به خطر اندازد اجتناب ورزند.

شرکتهای تعاونی تولید صنایع دستی به سهم خود بهینه و نوسازی ابزار ماشین آلات، تبدیل سوخت مصرفی به گاز در صورت امکان، دفع بهداشتی پساب و فاضلاب کارگاهها، نصب فیلترهای تصفیه هوا بر روی دودکشها، تنظیم اصولی و به موقع ماشین آلات و وسائل نقلیه دودزا، خودداری از قطع درختان و توسعه فضای سبز کارگاهی، بهره‌گیری از دانش فنی پیشرفته و ارائه آموزش‌های زیست محیطی به زبان ساده و گویا به اعضاء از طریق برقراری رابطه با سازمان‌های مسئول، می‌توانند در حفظ سلامت آب و هوا و خاک، بسیار مفید و مؤثر باشند و به صورت الگو و نمونه‌ای برای صنایع و نیز مردمانی که شاهد و ناظر فعالیت‌هایشان هستند، درآیند.

دکتر صلاح الدین محلاتی، استادیار گروه جغرافیایی دانشگاه شهید بهشتی نیز جدا از عواملی که برای تخریب محیط زیست ذکر می‌کند، عوامل دیگری را در این امر دخیل می‌داند و می‌گوید: تباهی و ویرانی محیط زیست قبل از آن که مولود

جمعیت اضافی و توسعه ماشینیسیم و به قول عده‌ای، پیشرفت علم باشد، از انحطاط اخلاقی، خودخواهی، عدم رعایت حرمت دیگران، نپذیرفتن مسئولیت در قبال سایر عناصر هستی و عشق و اشتیهای سیری ناپذیر تسلط و تحمیل بر سایرین ناشی می‌شود، که این انحطاط البته خود نتیجه عدم شناخت حقیقت علیا و هدف نهایی از آفرینش است... بحران زیست محیطی جهان و همه سستیزهای بشریت معاصر، مصداق‌ها و نمادهای انحطاط است و شرط

امروزه برخی از مواد اولیه صنایع دستی مانند مواد شیمیایی رنگ آمیزی فرش، به محیط زیست آسیب می‌رساند و از ایسن رو رنگ‌های طبیعی باید جایگزین آنها شود.

در سالهای اخیر به صنایع دستی ایران توجه خاصی مبذول شده است و این کوششها می‌رود تا بار دیگر مقام دیرین ایران را در بازارهای بین المللی، تثبیت کند.

رهایی از این انحطاط نیز، سالم سازی محیط زیست و آشتی با طبیعت است.

□ پاداری پلاستیک در طبیعت

یکی دیگر از مواردی که محیط زیست را آلوده می‌کند، زباله‌های آلوده به مواد شیمیایی کارگاههای تولیدی و صنعتی است که در این رابطه فرغوش بهرام پور کارشناس محیط زیست اظهار می‌دارد:

- مواد شیمیایی موجود در زباله‌ها مانند لاستیک و پلاستیک به دلیل خاصیت پایدار بودن، تا یک قرن هم باقی می‌مانند. اخیراً برای مصنوعات که بتوانند جایگزین پلاستیک شود، از محصولات گیاهی استفاده می‌کنند که از آن جمله به استفاده از ذرت، برای تولید خودکار می‌توان اشاره کرد. مواد گیاهی چون طبیعی هستند، در چرخ محیط زیست تجزیه می‌شوند و ضرری بر جای نمی‌گذارند.

وی با اشاره به امکان تولید ظروف از مواد گیاهی، می‌گوید: ترکیب ظروف یک بار مصرف، «پلی استارین» و یا ترکیبات «پلی اتیلن» است، که از عناصر خطرناک برای طبیعت محسوب می‌شوند. بنابراین حتی الامکان از تولید و مصرف این قبیل لوازم باید خودداری به عمل آید و اشیایی مصرف شود که قابلیت تجزیه در چرخه طبیعت را داشته باشند.